

چند و چون احیای نسخ خطی در گفتگو با استاد علی صدرايي مصاحبه و تنظيم: نوروز اميني



استاد علّه صدرايه خويه از آن دست نخبان خويه است که خالصانه و بهر يا به تحقيق و پژوهش در عرصه احیاء نسخ خطه همت گماشته و نزدیک به سه سال از عمر شريف خود را در این راه صرف کرده‌اند. اهمیت حفظ و احیاء نسخ خطه، معیارهاة انتخاب نسخه خطه برآه احیاء، مهارت‌هاة لازم برآه این کار، لزوم توجه بیش از پیش دانشگاه‌ها به امر احیاء نسخ خطه و ارزش و اهمیت گنجینه خطه مدرسه نمازه خوه از جمله مطالبه است که در گفتگو با این استاد گرانمایه به بحث گذاشته‌ایم.

احسن الحديث: ضمن تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار این نشریه گذاشتید، لطفاً مختصری از تحصیلات و پژوهش‌هایتان، به ویژه در حوزه تصحیح نسخ خطی، برای ما توضیح دهید.

استاد صدرايي: بنده علی صدرايي نیا، معروف به صدرايي خويي، متولد ۱۳۴۲ هستم که در سال ۶۳ وارد مدرسه نمازی خوی شدم و پس از یکسال تحصیل در آن مدرسه، وارد حوزه علمیه قم شدم و فعلاً نیز در این حوزه مشغول تحصیل و تدریس هستم. از همان سال‌های ورودم به مدرسه نمازی، با نسخه‌های خطی آشنا شدم؛ چرا که مدرسه نمازی دارای مخزنی بسیار غنی از نسخه‌های خطی است. وقتی هم که به قم آمدم، در کنار دروس حوزوی، نزد اساتید نسخه‌شناس بنامی چون آیت‌الله سید عبدالعزیز طباطبایی و آقازاده آیت‌الله مرعشی نجفی حاج آقا سید محمود مرعشی و استاد حجت‌الاسلام سید احمد حسینی اشکوری تجربیات ارزنده‌ای در زمینه نسخه‌شناسی کسب کردم. بعدها فرصتی پیش آمد تا در کتابخانه مجلس شورای اسلامی حدود شش سال در خدمت استاد عبدالحسین حائری باشم که همین باعث شد فعالیت‌هایی در زمینه فهرست‌نگاری و تصحیح و تحقیق متون داشته باشم و الان حدود ۲۵ سال است که به این کار مشغولم و هنوز هم فعالیت‌هایی در این زمینه دارم.

احسن‌الحديث: اهمیت احیای نسخ خطی در چیست و این کار چه کمکی می‌تواند به پیشبرد دانش داشته باشد؟

استاد صداری: نسخ خطی، به ویژه در علوم انسانی، پیشینه تاریخ علم است؛ یعنی پیشینه هر علمی در نسخه‌های خطی آن علم نهفته است. البته آثار ارزشمند دیگری چون کتیبه‌ها و آثار باستانی هم می‌تواند جزو پیشینه تاریخ علم تلقی شود، اما نسخه‌های خطی در این میان اهمیتی فوق‌العاده دارند؛ چون حاوی نظریات و ابتکارات دانشمندان گذشته، در علوم مختلف اعم از ریاضیات، طب، کشاورزی، فیزیک شیمی، تفسیر، فقه، اصول، عرفان، ادبیات و .. است. هر فعالیتی که دانشمندان گذشته داشتند، در این نسخه‌های خطی ثبت و به دست ما رسیده است. نسخه‌های خطی را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته نخست نسخه‌هایی است که تاکنون تصحیح و چاپ شده است. البته باید توجه داشت که تصحیح و چاپ شدن یک نسخه خطی به هیچ وجه از اهمیت خود آن نسخه خطی نمی‌کاهد؛ چراکه نسخه خطی هر کتاب چاپ‌شده‌ای به معنای سند و پشتوانه آن کتاب است. دسته دوم نسخه‌های خطی‌ای است که هنوز تصحیح نشده که در این حوزه ما کارهای انجام‌نشده بسیاری داریم و نیازمند محققان و پژوهشگران جوان هستیم تا بیایند و کار تصحیح این‌ها را بر عهده بگیرند؛ به ویژه در علوم انسانی که دیوان‌های بسیاری از شاعران گذشته در همین مدرسه نمازی خوی هست که نیازمند تصحیح است. یا در زمینه تفسیر ما تفاسیر بسیاری داریم که گذشتگان ما آن‌ها را نوشته و در اختیار ما گذاشته‌اند، اما جامعه علمی هنوز نتوانسته است اینها را تصحیح و منتشر کند. هر علمی اگر بخواهد پیشرفت کند باید به نظریه‌پردازی‌های پیشین توجه کند و اساساً ابتکارات و نوآوری‌ها همیشه بر پایه نظریات پیشین شکل می‌گیرد. بنابراین، تحقیق نسخه‌های خطی در حقیقت اساس رشد علوم جدید است. مخصوصاً در حوزه علوم پایه و طب که وضع خیلی اسفناک است و ما نسخه‌های بسیاری در علوم پایه و پزشکی داریم که کسی به آن‌ها توجهی نمی‌کند و این‌ها نیازمند تحقیق و تصحیح است.

احسن‌الحديث: آیا احیای هر نسخه خطی فی‌نفسه ارزشمند است یا معیارهای خاصی برای انتخاب نسخه وجود دارد؟

استاد صداری: ما نباید احیا را روی نسخه ببریم، بلکه اصل بر احیای یک کتاب باید باشد؛ چون هر کتابی نسخه‌های متعدد دارد؛ مثلاً ما از تفسیر زمخشری بیش از دویست نسخه در اختیار داریم. حال اگر بخواهیم این کتاب را احیا کنیم باید به همه این دویست نسخه مراجعه کنیم. منتها پس از مطالعات اولیه از بین این دویست نسخه، تعداد هفت یا هشت نسخه را که ویژگی‌های خاصی دارند، انتخاب می‌کنیم و کار تصحیح را از روی آن نسخه‌ها شروع می‌کنیم. متأسفانه ذهنیتی در جامعه وجود دارد که گمان می‌کنند اگر کتابی چاپ شد، ما دیگر نیازی به نسخه خطی آن نداریم، در حالی که این‌طور نیست و ما به‌ویژه در کتاب‌های مشهور، چون مراجعه به این کتاب‌ها بسیار است و ناشران مختلفی اقدام به انتشار آن‌ها می‌کنند، نیاز داریم که اصل نسخه باشد تا اگر در جایی اختلافی بین چاپ‌های مختلف یک اثر پیش آمد، با مراجعه به نسخه اصلی، اختلاف را برطرف کنیم. پس کاربری نسخه خطی تنها برای احیای

کتاب نیست، بلکه نسخه خطی همچون سند مالکیت ملک است که همیشه مورد مراجعه و مطالعه نیست، اما در مواردی که اختلاف پیش می‌آید، فصل الخطاب است. نسخه‌های خطی سند علمی و تمدنی کشور ما هستند. پس هر نسخه‌ای لازم نیست تصحیح و چاپ شود، بلکه باید کارشناسان نسخه‌ها را ارزش‌گذاری کنند و اگر تشخیص دادند که نسخه‌ای ارزش چاپ دارد، به تصحیح آن اقدام شود؛ وگرنه به جای چاپ می‌توانیم از دیگر کاربری‌های آن نسخه استفاده کنیم که یکی از آنها همین رفع اختلاف نسخه‌های چاپ‌شده است.

احسن الحدیث: به طور کلی چه مهارت‌هایی برای تصحیح نسخ خطی لازم است. **استاد صداری:** در درجه اول تسلط کامل بر ادبیات فارسی و عربی لازم است؛ چون حتی در کتاب‌های فارسی هم نوعاً از الفاظ و ترکیبات عربی استفاده شده است. پس مصحح باید با ادبیات فارسی و عربی کامل آشنا باشد. دیگر اینکه در علمی که نسخه به آن علم مربوط است، باید اطلاعات کافی داشته باشد تا بتواند الفاظ و اصطلاحات آن علم را به راحتی تشخیص دهد. مثلاً کسی که می‌خواهد کتاب کشف را تصحیح کند، باید در علوم قرآنی تخصص داشته باشد. در کنار اینها باید با روش‌های تصحیح نسخ نیز آشنا باشد که این امر در جای خاصی به طور رسمی آموزش داده نمی‌شود، بلکه باید در کارگاه‌های مختلفی که در بعضی مراکز برگزار می‌شود، شرکت کند و با اصول و مبانی این فن آشنا شود و بعد از آن اقدام به تصحیح نسخه نماید.

احسن الحدیث: آیا اقدام به تصحیح نسخه‌های خطی در دوره‌های ارشد به عنوان پایان‌نامه را جایز می‌دانید؟

استاد صداری: به نظر من یکی از کارهای ارزشمند در این حوزه همین قرار دادن نسخه‌ها به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری است. چون ما هیچ نهاد رسمی در کشور نداریم که وظیفه‌اش احیای نسخ خطی باشد. پس این وظیفه دانشگاه‌هاست که دانشجویهای خود را در رشته‌های مختلف با نسخه‌های خطی آن رشته آشنا کنند و این امکان را برای آن‌ها فراهم آورند که روی این نسخه‌ها مطالعه و در صورت نیاز آن‌ها را تصحیح و منتشر کنند. اما مشکلاتی در این زمینه وجود دارد: نخست اینکه دانشجوی ما هیچ اطلاعی در این زمینه ندارد که مثلاً نسخه را از کجا پیدا کند؟ یا کدام نسخه ارزش تصحیح داد؟ روش تصحیح چگونه است؟ درسی هم به عنوان روش تصحیح نسخه‌های خطی نگذرانده است که بتواند این امر را در دانشگاه یاد بگیرد. پس ما نخست باید درسی با عنوان روش‌های تحقیق و تصحیح متون در دوره‌های ارشد در همه رشته‌ها داشته باشیم تا دانشجویان با روش کار با نسخه‌های خطی آشنا شوند. در مرحله بعدی باید اساتید راهنما و مشاور خوب در این زمینه تربیت کنیم؛ ما در این حوزه هم خلاً داریم و متأسفانه تعداد اساتیدی که با نسخه‌ها آشنا هستند و می‌توانند راهنمایی این‌گونه پروژه‌ها را بر عهده بگیرند، بسیار کم است. همین امر هم باعث می‌شود که اگر دانشجویی هم اراده کند که در این عرصه فعالیت کند، طرحش در گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها به تصویب نرسد؛ چون اساتید گروه معمولاً در جریان نحوه و

کیفیت کار نیستند و یک تلقی نادرست و ابتدایی از تصحیح نسخه دارند و فکر می‌کنند که تصحیح نسخه یعنی بازنویسی یک متن، در حالی که اصلاً این‌طور نیست و تصحیح نسخه واقعاً یک کار طاقت‌فرسای علمی است.

احسن‌الحديث: آیا محل خاصی در ایران و به طور ویژه در شمال غرب کشور هست که در این زمینه آموزش‌هایی در قالب دوره‌های آموزشی به دانشجویان ارائه بدهد؟
استاد صداری: در شمال غرب من سراغ ندارم، ولی در قم مراکزی هست که فهرست‌نویسی، تصحیح، تحقیق و نقد انتقادی متون را آموزش می‌دهند. یکی از این مراکز مجمع ذخایر اسلامی است که زیر نظر دانشمند ارجمند آقای سیدصادق حسینی اشکوری است. در جامعه المصطفی هم یک واحد درسی بنام بازسازی متون دارند که من خودم تدریس می‌کنم. در حوزه علمیه هم در رشته علوم حدیث در مقطع ارشد درسی با همین عنوان دارند که حدود شش سال است که تدریس می‌شود. در تهران هم کتابخانه ملک کلاس‌هایی دارد و اخیراً یک رشته کارشناسی ارشد هم در فرهنگستان علوم با نام تحقیق و تصحیح متون ایجاد کرده‌اند که در حال حاضر حدود ده نفر دانشجو دارند و این طلیعه خوبی است که انشاءالله اگر این‌ها فارغ‌التحصیل شوند، بتوانند در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها به فعالیت بپردازند تا به مرور این کار گسترش پیدا کند. کارگاه‌هایی هم در این زمینه برگزار شده است که یک کارگاه در دانشکده علوم قرآنی قم، یک کارگاه در دانشگاه اصفهان و یک کارگاه هم در دانشگاه قرآن و حدیث شهر ری برگزار شده است و در جاهای دیگر هم ممکن است باشد که من اطلاع ندارم.

احسن‌الحديث: چه گنجینه‌هایی در شهر خوی و اطراف آن سراغ دارید که ارزش احیاء دارند؟

استاد صداری: در آذربایجان غربی مراکز مختلف نگهداری نسخه‌های خطی داریم؛ موزه ارومیه و حوزه علمیه این شهر گنجینه‌های خوبی دارد. اما تنها شهری که نسخه‌های آن فهرست‌برداری شده، خوی است. من در دوران طلبگی بیشتر از ده سال وقت گذاشتم تا توانستم فهرست نسخه‌های خطی مدرسه نمازی خوی را تدوین کردم و حدود هزار نسخه خطی را شناسایی و فهرست‌نویسی کردم که البته اگر با عنوان حساب کنیم، حدود ۱۸۰۰ عنوان کتاب می‌شود؛ چون بعضی از مجلدات این نسخه‌ها حاوی چند عنوان کتاب است. خوی از این نظر وضعیت خوبی دارد و این هم مرهون تلاش متولیان پیشین این کتابخانه بوده که از حدود صد سال قبل به فکر نگهداری این آثار افتادند. ما در کتابخانه نمازی خوی نسخه‌های منحصر به فردی داریم. نسخه‌هایی که از کشف، تفسیر فخر رازی و احیاء علوم الدین غزالی که بسیار کهن هستند. نسخه‌ای از شفای ابن‌سینا داریم که شامل حواشی خواجه نصیر است و این نسخه جهانی است. درباره حواشی کشف و حواشی تفسیر بیضاوی هم نسخه‌های خوبی در آنجا داریم؛ مخصوصاً درباره فرهنگ‌نامه‌های قرآنی کتابی بنام لثالی القرآن داریم که از دانشمندی خویی در قرن سیزدهم است و هنوز هم منتشر نشده است که من همه را در کتاب فهرست نسخه‌های خطی مدرسه نمازی خوی توضیح داده‌ام. این کتاب

هم دو جلد است که جلد نخست آن بیست سال پیش در تهران منتشر شد و حاوی مشخصات حدود هشتصد نسخه خطی مدرسه نمازی است و الان هم دیگر نایاب شده است. اما جلد دوم هنوز منتشر نشده است که شامل نسخه‌هایی است که بعداً به این کتابخانه اضافه شده است. امروزه با عنایت امام جمعه محترم و همچنین مدیر محترم کتابخانه آقای سید کاظم موسوی همه این‌ها عکسبرداری شده و نسخه دیجیتال دارند که می‌توان با امضای تفاهم‌نامه‌ای این‌ها را در اختیار محققان مراکز آموزش عالی خوی، به ویژه دانشکده علوم قرآنی خوی، قرار داد تا مقدمات احیای آن‌ها فراهم شود. برخی از این نسخه‌ها نیازمند تصحیح است، برخی نیازمند معرفی در حد یک مقاله علمی است و خوب است که این کارها در آن شهر انجام شود. خوی ظرفیت بالایی از این نظر دارد و در جاهای دیگر هم نسخه‌های خطی هست؛ در کتابخانه ملی هم هست. رئیس شورای شهر، جناب آقای شریف هم نسخه‌های خطی خاندانی دارد که حدود هشتاد نسخه از خانواده‌اش که از نسخه‌های خطی ملاحلی است در اختیار دارد. اما متأسفانه بسیاری از این‌ها هنوز شناسایی نشده و من توصیه می‌کنم که هر شخصی یا سازمانی که نسخه‌های خطی در اختیار دارد، از نخبگان دعوت کند تا از آن‌ها فهرست‌برداری کنند و دانشجویان هم بروند به سمت احیای این نسخه‌ها تا این‌ها را از خطر فراموشی و نابودی نجات دهیم.



احسن الحدیث: از اینکه وقت خود

را در اختیار این نشریه گذاشتید، مجدداً سپاسگزاریم و برای جنابعالی طول عمر و توفیق روزافزون آرزو مندیم. استاد صداری: من هم برای نشریه شما و مسئولان آن آرزوی توفیق دارم و امیدوارم این نشریه بتواند جایگاه بالایی در میان نشریات علمی کشور پیدا کند و در رشد و اعتلای علمی کشور، به ویژه دانش علوم قرآن، سودمند و مؤثر باشد.